

گوشه‌ای از تاریخ ایران

دکتر ابراهیم تیسوری

رفع محاصره هرات

خودداری ایران از عنبر خواهی

تعلیق رابطه سیاسی میان ایران و انگلیس

مکنیل وزیر مختار انگلیس از تهران به تبریز رفت و با آنکه اطلاع یافت محمدشاه از محاصره هرات چشم پوشیده و نیروهای ایران را عقب کشیده است، چون دولت ایران حاضر نبود در رابطه با مسائلی که پیش تر گفته شد از دولت بریتانیا عنبر خواهی کند، از راه روسیه به انگلستان رفت و پس از دو سال وقتی محمدشاه در نتیجه تهدیدهای مستمر انگلیسی‌ها و توصیه روس‌ها همه خواسته‌های دولت انگلیس را پذیرفت، هیأت نمایندگان انگلیس به تهران بازگشت و عهدنامه بازرگانی به امضار رسید و جزیره خارک تخلیه شد و روابط دو کشور به وضع سابق بازگشت.

چنان که خواهیم دید، حاجی میرزا آقاسی صدراعظم که به گفته انگلیسی‌ها فرمانروای واقعی ایران بود، درباره علت تسلیم شدن در برابر دولت انگلیس و پذیرش خواسته‌های آن دولت می‌گفت وقتی دولت ایران در آمدی ندارد و لرتش «جیره و مواجیش» به موقع نمی‌رسد و از «مشق و نظام افتاده» و کار آبی خود را از دست داده و «حکام قاعده رعیت پروری» نمی‌دانند و در سایه طمع ورزی آنان و ستمی که روا می‌دارند مردم به ستوه آمده‌اند، جز اینکه با همسایه‌ها (انگلیس و روس) بسازیم و تکلیف آنها را قبول کنیم و در فکر نظم و آرامش داخل مملکت باشیم چه چاره‌ای باقی است؟

بدین جهات بود که پس از بازگشت وزیر مختار انگلیس به تهران و برگشتن روابط دو کشور به حال عادی، محمدشاه بی‌درنگ روانه اصفهان شد تا آشوبها و شورش را در مناطق مرکزی سرکوب و نظم و آرامش را در آنجا برقرار کند.

الف - مکنیل در اردوگاه نزدیک تبریز

چنان که پیش تر اشاره شد، مکنیل پس از بازگشت از خراسان و دو هفته توقف در بایسخت، روز هشتم اوت ۱۸۳۸ (جمادی الاول ۱۲۵۴) از تهران عازم تبریز شد و پس از تقریباً سه هفته راه پیمایی، روز سی‌ام همان ماه (اوت ۱۸۳۸) وارد اردوی نمایندگان انگلیس در

نزدیکی تبریز شد تا پس از یکی دو هفته توقف در آنجا اگر خبری از چشم‌پوشی محمدشاه از محاصره هرات نرسد، از آنجا روانه لوزروم (ارزنة الروم) در قلمرو عثمانی شود و در انتظار رویدادهای بعدی باشد.

پیش از حرکت مکنیل از تهران، مادر شاه (همسر عباس میرزا) از او خواسته بود آهسته حرکت کند تا شاید پیش از خروج از ایران پاسخ درخواستی که از پسرش برای جلوگیری از قطع رابطه با دولت انگلیس کرده بود، برسد: ۲۲۲

وقتی مکنیل آماده می‌شد که در یازدهم سپتامبر ۱۸۳۸ (جمادی الاخر ۱۲۵۴) روانه مرز ایران و عثمانی شود، فرستاده کلنل استادرت با نامه‌هایی از او از اردوگاه هرات رسید که اطلاع می‌داد شاه پاسخ مساعدی به پیام وزیر مختار داده است.

شاه به کلنل استادرت وعده داده بود که با همه خواسته‌های انگلیس موافقت خواهد کرد و میرزا علی نایب وزیر امور خارجه نیز در نامه‌ای به تاریخ ۲۴ جمادی الاول ۱۲۵۴ (۱۵ ماه اوت ۱۸۳۸) خطاب به مکنیل پس از اشاره به اینکه اعلیحضرت خواسته‌های دولت انگلیس را کاملاً دریافته و با آنها موافقت کرده‌اند نوشته بود اعلیحضرت شخصاً به کلنل استادرت فرمودند:

... ما خواهش دولت انگلیس را قبول کردیم و ازین جا برمی‌گردیم. منظور ما همین بود که طایفه افغانه را از تاخت و تاز مملکت خودمان ممنوع بدلیم. ان‌شاءالله قراری با هراتی‌ها گذاشته به زودی مراجعت می‌کنیم. ۲۲۳

امیر نظام (محمدخان زنگنه) حاکم نظامی آذربایجان نیز صبح همان روز (۱۱ سپتامبر) به دیدن مکنیل رفت و گفت طبق دستور شاه به دیدن وزیر مختار انگلیس آمده تا از او بخواهد ایران را ترک نکند و همچنان در تبریز بماند.

مکنیل در گزارش خود در این باره به پالمسترستون نوشته بود هر چند با توجه به تجربیات گذشته و تردید و دودلی شاه و بدعهدی وزیر او (حاجی میرزا آقاسی)، به وعده‌ای که رسماً و با این صراحت داده شده نمی‌تواند اعتماد کند، لکن تصمیم گرفته است چند روز سفر خود را به تأخیر اندازد تا خبرهای بیشتری از اردوگاه شاه مبنی بر قرار و مدارهای او با مردم هرات و بازگشت از آنجا برسد. اگر تا

نزدیکی تبریز به سر می برد، از کلنل استادرت خبر رسید که ارتش ایران در روز ۹ سپتامبر ۱۸۲۸ از حوالی هرات عقب نشینی کرده و در فاصله پنجاه مایلی آن شهر در نزدیکی غوریان مستقر شده است. ۲۲۵

مکتیل ضمن اظهار خوشحالی از عقب نشینی نیروهای ایران از هرات در گزارش خود به پالمستون تصریح می کند که از نامه های کلنل استادرت معلوم می شود شاه هیچ قرار و مداری با هراتی ها نگذاشته و موافقت نامه ای با حاکم آنجا امضا نکرده است و به هنگام عقب نشینی ارتش ایران نیز هراتی ها هیچ آزاری به افراد آن ارتش نرسانده اند. نیز، این عقب نشینی، با وجود اعمال فشار از طرف کنت سیمونیچ وزیر مختار روسیه برای جلوگیری از عقب نشینی و رفع محاصره و حتی تهدیدهای او صورت گرفته است.

گفته می شود شاه امضای موافقت نامه با هراتی ها را تا بازگشت به تهران و مکاتبه با مکتیل به عقب انداخته است.

با این حال هنوز از معذرت خواهی به علت دستگیری غلام چاپار سفارت و عزل حاجی خان قراباغی خبری نیست و حاجی خان همچنان فرماندهی فوج های شقاقی را بر عهده دارد. شاه گفته است وقتی وارد تهران شود حاجی خان را برکنار خواهد کرد.

مکتیل در پایان گزارش خود می افزاید که می خواسته است شخصاً به تهران برود و با شاه مذاکره کند ولی چون معذرت خواهی نشده و حاجی خان معزول نگردیده، تصمیم گرفته است کلنل شیل دبیر اول سفارت انگلیس را نزد شاه بفرستد تا درباره این موارد با شاه گفتگو کند و سپس اگر لازم باشد خود او عازم تهران یا اردوگاه شاه بشود. ۲۲۶

مکتیل ضمناً پس از دریافت خبر عقب نشینی محمدشاه و نیروهای ایران از هرات، در دوازدهم اکتبر ۱۸۲۸، نامه ای به خط خود به محمدشاه نوشت و ضمن خوشحالی از این عقب نشینی اظهار امیدواری کرد که این اقدام موجب «تجدید دوستی و تشدید میثاتی یگانگی که از قدیم بین التولتین برقرار بود، بشود». جان مکتیل در پایان این نامه نوشت: «اعلیحضرت پادشاهی را پندۀ مطیعترین و حقیرترین هستم.»

فتوکی عین نامه به خط مکتیل در اینجا گراور شده است. ۲۲۷

ب- تحریکات مکتیل پیش از خروج از ایران

مکتیل پس از بازگشت از اردوگاه ارتش ایران در هرات، در روزهایی که در مشهد و سپس در تهران به سر می برد، از يك سو از حکومت هند می خواست با اعزام نیرویی ۵۰۰۰ نفری به خلیج فارس، گذشته از اشغال جزیره خارک، بندر بوشهر را هم اشغال کنند و در صورت لزوم در داخل ایران تا اصفهان و حتی تا تهران پیش روند و دولت محمدشاه را سرنگون کنند و از سوی دیگر با نوشتن نامه به روحانیون بر نفوذ ایران و شایعه پراکنی در مورد ورود نیروی دریایی انگلیس به خلیج فارس و اشغال جزیره خارک، مستقیم و

هفت روز دیگر خبر مساعدی نرسد به کاپیتان هنل (Capt. Hen-nell) دستور خواهد داد چنانچه نیروی کافی در اختیارش باشد بی درنگ بندر بوشهر را اشغال کند تا شاه دریابد که ادامه دادن روشی که در پیش گرفته است موجب بر خورد و درگیری با انگلیس خواهد شد. ۲۲۲

در روزهایی که مکتیل با بی قراری و ناشکیبایی همچنان در

جناب صاحب انصاف و ابراهیم صاحب
چندیم ببارزنده بر ابراهیم بنده خاندان در اردوگاه کوهان در نزدیکی سید...

مبارک آرد در روز...
جانب...

اندر پیش...
مهم...

مبارک آرد...
و به...

که امرات...
در هر...

دوازدهم...
گفت...

نامه مورخ ۲۵ جمادی الثانی ۱۲۵۴ (۱۵ سپتامبر ۱۸۲۸) جان مکتیل در آرشیو وزارت امور خارجه ایران، در پشت صفحه نوشته شده است: «صحیفه الشوق بمطالعه جلالت و نبالت مصاب شخصیت و شهامت انتساب قطانت و منات ملک محبت استظلالی میرزا مسعود وزیر امور خارجه قایم باد»
محل مهر بزرگ و مربع شکل «جان مکتیل»

غیر مستقیم به تحریک و تفتین بر ضد محمدشاه دست می زد و برای جلو گیری از تصرف هرات و کوتاه کردن دست ایران از دخالت در افغانستان به هر وسیله که می توانست متوسل می شد. مکنیل هنگامی که در مشهد توقف داشت در گزارش مفصلی به لرد اوکلند (Lord Auckland) فرمانروای کل هند پس از اشاره به سرسختی شاه و اینکه ناچار شده است تصمیم به ترک ایران بگیرد و رابطه سیاسی با این کشور را به حال تعلیق در آورده، نوشت دشمنی و

مخالفت شاه و بخصوص وزیرش (حاجی میرزا آقاسی) که فرمانروای واقعی کشور است، با مصالح انگلیس روشن است. آنان نه تنها از قدرت انگلیس بیسی به خود راه نمی دهند بلکه می خواهند بولی هم از دولت انگلیس بیرون بکشند. محمدشاه از روزی که به شاهی رسیده و حاجی میرزا آقاسی از هنگامی که به صدارت دست یافته می خواهند با اقداماتی از جمله تهدید نماینده سیاسی انگلیس در بوشهر و بی اعتنایی به کنسولگری انگلیس در تبریز و بدرفتاری با وزیر مختار انگلیس در اردوگاه ارتش ایران و بطور کلی تحقیر انگلیسی هادر ایران، نفوذ دولت انگلیس را کاهش دهند و بر عکس به نفوذ دولت روسیه در ایران و افغانستان بیفزایند. باید از همکاری ایران و روسیه برای پیشروی در شرق و خطر آفرینی برای امنیت هند جلوگیری کرد. با اعزام یک نیروی ۵۰۰۰ نفری که نیمی از آنها اروپایی باشند و اشغال بوشهر، هدف ما تأمین خواهد شد. حضور یک نیروی نظامی انگلیسی در بوشهر محمدشاه را ناگزیر از ترک هرات می کند و مردم ایران را به قیام و شورش در برابر او تشویق خواهد کرد. قبایل افغان و دیگران را هم می توان به قیام در برابر شاه تشویق کرد. اگر یک نیروی انگلیسی وارد بوشهر شود معلوم نیست تا کجا پیشروی خواهد کرد. ۲۱۸

در تاریخ شهر تبریز تاریخ دوازدهم ماه اکتبر ۱۸۳۸

امید که این مختصر مقید در محضر پادشاه هر شود
شهر اردو که نزد ستاد ارتش مستقر بود رضا مند و شوق وافرین رسید که بوزیر مختار
دین و نصرت و ستان اعلام داشت که علیحضرت پادشاه هر در وقت دو روز با علیحضرت
تاریخ با قیام حضرت که خبر خاطر فریبید و شاه هر مصروف فرمود و فتح شهبه هرات را کرده مقیم
شدند که با سپاه ایران خاک متعلقه خویش را جهت نمایند
ازین عزم که مختور بکنیم و جز سب محنت مر بود و علیحضرت پادشاه هر در وقت دو روز با علیحضرت
و همچنین منهدم ساختند پادشاه هر را منسحب فرمودند که منسحب نمودند از اردو
مشکله در خطر است که دولت ایران طن هر از کار شده میدیدند و در آن زمان
مربوره شما بر سطر عقد کار کرد و در اردو شیر و علیحضرت پادشاه هر مر بود که در این
دو قصه طن هر نمود

در پاییز ۱۸۳۸/۱۲۵۴ وقتی امور ایران در دولت انگلیس مورد بررسی قرار گرفته بود، پیشنهاد مکنیل وزیر مختار انگلیس در تهران که برای لرد اوکلند فرستاده شده بود نیز مورد توجه قرار گرفت. لرد پالمستون وزیر امور خارجه انگلیس در نامه ای به مکنیل پس از اشاره به اقدامات ایران و روسیه با هدف گسترش نفوذ در افغانستان و تضعیف امنیت هند، و کافی بودن اشغال جزیره خارک برای عقب نشینی نیروهای شاه از هرات، می نویسد:

کودنر شید نز رسیده اول محذرت بفرموده بارگاه پادشاه هر است که بنفایک علیحضرت
پادشاه هر مشرف میزند با بنیت که تمام از قدر مبارک و در جو مسو خواهد نمود که بسیار
و اجدال مرا حجت فرمودند و همچنین عرض خواهد نمود که در حق از همیشه قلب طن کسب
که این را تب را سخا با لب خصه با علیحضرت پادشاه هر عرض کنم و ضمن از قدر و علیحضرت
سلک نه و امنیت حق با علیحضرت پادشاه هر یعنی سازم که نایت ماید سفند که تبدیه
دو تر و شهید مبارک که از قدیم پس از زمین بر قرار بود و در راه فرود آمد
شک و دست که علیحضرت پادشاه هر را بدو عجب خواهد شد که ایند تر خیا این مشتم همیشه
و هر باز دیاد نمود
و علیحضرت پادشاه هر را اینده مطهرین و خیرترین بستم با علیحضرت

پیشنهاد شما (جان مکنیل وزیر مختار انگلیس در ایران) درباره اعزام یک نیروی پنج هزار نفری به بوشهر برای نمایش قدرت نظامی زیاد و برای دست زدن به يك رشته عملیات نظامی بسیار نارسا است. باید دید هدف اصلی چیست. انگلیس در مرحله نخست خواهان معذرت خواهی از دستگیری غلام چاپار سفارت و رهایی افغانستان از دست اندازی شاه به افغانستان و بازگشت نیروهای



کاغذی بسیدالافاضل بحر الفضایل فخرالمجاهدین حاجی سیدمحمدباقر که افضل و اعلم علمای اعلام ایران است نوشت^{۲۳۱} و جناب معظم‌الیه نظر بحفظ بیضه اسلام در ردّ مسئولات او جوابهای مقرون بصواب ایراد نمود. به تیریز رفت، باز عریضه بحضور مهر ظهور اقدس عرض و ارسال کرد مضمونش اینکه چون دولت علیّه ایران عزم تسخیر هرات کرد، دولت انگلیس خود را مختار می‌داند که عهدنامه را بر هم زده از برای صرفه دولت خود اسباب دشمنی را بکار برده با دولت ایران جنگ نماید.^{۲۳۲} قبل از تحریر این عریضه و بعد از معاودت او از اردوی همایون، سفاین جنگی دولت انگلیس داخل بحرالعجم شده در اتشای سلم و صفوت با اسباب حرب جزیره خار کو را که ملک طلق دولت علیّه ایران است متصرف و در ساختن خانه و استحکام قلعه آنجا مشغول شدند اعلیحضرت قدر قدرت قضا شوکت شاهنشاه با فرّ و جاه خلدالله ملکه و سلطانه برای اینکه در کلّ دولت‌ها واضح و روشن و بین فرمایند که دولت انگلیس که بحفظ عهد مشهور آفاق است چه قدرها نقض عهد نسبت بدولت علیّه ظاهر کرده است، در اثنائی که هراتی از جهات عدیده بجان آمده مستدعی استسلام و استیمنان شده بود با دو کرور بل متجاوز، خسارت سفر را متحمل شده دست از تصرف آن برداشتند و عساکر منصوره و افواج قاهره را بعد از هفده ماه زحمت محاصره چون شیری گرسنه که از طعمه باز دارند مراجعت دادند...^{۲۳۳}

ج - گفتگوی کننل شیل با محمدشاه

چنان که اشاره شد، مکنیل پس از اطلاع از بازگشت محمدشاه از هرات و عقب کشیدن نیروهای ایران، کننل شیل را به منظور تحقیق درباره نظرات محمدشاه در مورد موافقت با خواسته‌های انگلیس و بویژه اعلام صریح درباره برکناری حاجی خان قراباغی به علت توهینی که مدعی بودند با دستگیری غلام چپار سفارت به دولت انگلیس شده است، برای ملاقات و مذاکره با محمدشاه به اردوگاه ارتش ایران فرستاد.

مکنیل ضمناً به کننل شیل دستور داده بود تحقیق کند که آیا دولت ایران آمادگی بستن عهدنامه بازرگانی را طبق شرایطی که پیشنهاد شده است دارد یا نه. مکنیل روز ۱۶ اکتبر ۱۸۳۸ از راه اردبیل روانه رشت شد تا اگر کننل شیل از مذاکره اش با شاه گزارش مساعدی فرستاد، خود شخصاً به ملاقات محمدشاه برود. شاهزاده حاکم آذربایجان (قهرمان میرزا) پیش از عزیمت مکنیل به او خبر داده بود که حاجی خان قراباغی به علت ارتکاب تفصیراتی چند برکنار و چون خود را در مخاطره می‌دیده به حرم مطهر امام رضا (ع) پناهنده شده و در آنجا بست نشسته است. ولی به هیچ وجه سخن از توهین به دولت انگلیس بعنوان دلیل برکناری او به میان نیامده

ایران از آن سرزمین است. دولت انگلیس خواهان برکناری شاه که اخیراً با کمک انگلیس به سلطنت رسیده است نیست. هر چند دولت انگلیس از شاه و وزیر او گله‌مند است ولی بویژه در حال حاضر دلایل کافی برای تغییر سیاست سابق وجود ندارد. گذشته از آن جای تردید است که با توجه به همسایگی دولت نیرومند روسیه، انگلیس به تنهایی بتواند بدین کار یعنی برکناری شاه دست بزند. دولت انگلیس به هیچ وجه خواهان تجزیه ایران یا جدا کردن بخش جنوبی آن کشور نیست. سیاست انگلیس تقویت نیروهای ایران است زیرا ضعف آن کشور موجب سرسپردگی اش به روسیه می‌شود. ایران هر اندازه نیرومند باشد از دخالت و دست‌اندازی همسایه نیرومندش بیشتر مصون خواهد بود. همچنین انگلیس نمی‌خواهد مردم ایران را به شورش و قیام در برابر شاه تشویق کند زیرا این کار موجب تضعیف دولت آن کشور و افتادن آن به دامن روسیه می‌شود. پیشروی نیروی انگلیس در ایران و رسیدن به اصفهان یا حتی تهران، به علت طولانی بودن مسافت با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود و با توجه به وجود یک نیروی روسی بزرگتر در همسایگی، اگر حادثه‌ای برای نیروی انگلیسی روی بدهد نتایج آن مصیبت‌بار خواهد بود. اگر هم نیروی انگلیسی وارد بوشهر شود در همان جا بماند این عدم تحرک به تردید و ترس تعبیر خواهد شد.^{۲۳۱}

گذشته از این گونه پیشنهادها، وقتی مکنیل در تهران به سر می‌برد ضمن شایعه‌پراکنی مبنی بر پیامدهای مخاطره‌آمیز قطع رابطه میان ایران و انگلیس و اشغال بوشهر و جزیره خارک با یک نیروی بزرگ انگلیسی موجب نگرانی مردم می‌شد. از همین رو، چنان که گفته شد، مادر محمدشاه در نامه‌ای از پسرش خواست با دست برداشتن از محاصره هرات از قطع رابطه میان دو کشور جلوگیری کند و یکی از برجسته‌ترین علمای تهران (احتمالاً امام جمعه) شخصی را نزد وزیر مختار انگلیس فرستاد و از او درخواست کرد از تهران نرود و صبر کند تا اختلافات حل و فصل شود.^{۲۳۲}

میرزا مسعود وزیر امور خارجه در پی نامه‌های خود به مقامات عثمانی، در نامه‌ای شکایت آمیز که در ذی‌قعدة ۱۲۵۴ به «ناظر امور خارجه روم» (عثمانی) نوشته، پس از شرح «بهانه‌جویی‌های بی‌جای مستر مکنیل وزیر مختار» دولت انگلیس و خروج او «از روی قهر و طرح از اردوی همایون» نوشت:

مکنیل بعد از ورود به شاه‌رود که آخر خاک خراسان و اول خاک عراق [عجم] است کولونل استادرت را که یکی از صاحب‌منصبان سفارت می‌باشد با اعلام نامه جنگ به اردوی همایون فرستاد و چون دارالخلافه (تهران) شد در داخل مملکت بنای افساد گذاشت و با اکثری از علما و رؤسای ممالک محروسه کاغذهای تحریک و تفتین نوشت، از آنجمله

داشته‌اند با همه‌خواست‌های دولت انگلیس موافقت خواهند فرمود.
محمدشاه سپس گفت «حاجی خان هیچ تقصیری مرتکب نشده
و او معزول شده است.»

در اینجا شیل پرسید:
«اعلیحضرت درباره‌ی چه کسی می‌فرمایند مرتکب تقصیری
نشده است؟»
محمدشاه گفت:

«به نسبت به حکومت شما، نه نسبت به وزیر مختار انگلیس، نه
نسبت به غلام چاپار انگلیس، هیچ کدام.»

محمدشاه دوباره تکرار کرد که پاسخ کتبی داده خواهد شد.
به گفته‌ی شیل این مذاکرات چند بار به علت اشاره‌ی شاه به
موضوعات دیگر و بی‌میلی او در این باره قطع شد.
محمدشاه این گفتگو را با نارضایی و اوقات تلخی و قیافه‌ای
گرفته به عمل آورد.

شیل در پایان گزارش خود در این باره می‌نویسد:

لحن و روش مانند کلمات، بیشتر مبین احساسات بود. در
این شرفیابی به حضور پادشاه کوچکترین دلیلی نیافتیم که
عقیده پیدا کنیم عزل حاجی خان به نحوی با توهینی که او
نسبت به دولت انگلیس کرده است ربط داده شود و نه حتی يك
جمله از طرف شاه اظهار شد که نشانه‌ی تمایل او جهت برقراری
سازش و توافق بین دو دولت بوده باشد.^{۲۳۵}

کلنل شیل چند روزی در اردوگاه ارتش ایران و سپس در
تهران توقف کرد و پس از گفتگو و مبادله‌ی نامه‌هایی با میرزا مسعود
وزیر امور خارجه چون نتیجه‌ی مورد نظر مکنیل وزیر مختار انگلیس را
به دست نیابد ناچار راهی تبریز شد و از آنجا به ارزنة‌الروم رفت.

فتوکی نامه‌ی مورخ ۲۲ نوامبر ۱۸۳۸ (۳ رمضان ۱۲۵۴) کلنل
جاستین شیل به انگلیسی و با خط خودش در چهار صفحه و ترجمه‌ی
فارسی آن که در پاسخ به نامه‌ی میرزا مسعود وزیر امور خارجه ایران
نوشته شده و مطالب آنرا رد کرده است، گراور می‌شود.

در این نامه، کلنل شیل در خواسته‌های مکنیل وزیر مختار
انگلیس را تکرار کرده و محمدشاه نیز در حاشیه‌ی آن نظرات خود را
نوشته است.

درباره‌ی این خواسته‌ی وزیر مختار انگلیس که «دولت علیه‌ی ایران از
اینکه ظاهر او افواها حاجی خان را اخراج کردند از برای تقصیرهای
دیگر و در میان تقصیراتی که بر او لازم آوردند تقصیری که نسبت به
دولت علیه‌ی انگریز کرده بود اظهاری نداشته بودند»، محمدشاه نوشته
است:

«در خصوص اخراج حاجی خان بشما نوشتم که برای
رضاجونی دولت انگلیس بود، اما از تقصیرات بسیار هم سر زده
بود. در اصل چاپار ازو هیچ تقصیری سر زده بود. این هم یکی از
تعذیبات انگلیس بود مثل آوردن کشتی بیندر و اعلام جنگ.»

است. قهرمان میرزا افزوده بود که محمدشاه بیانی‌ای نیز خطاب به
همه‌حکام ایالات صادر کرده است مبنی بر آنکه هنگامی که نزدیک
بوده هرات تصرف شود و حاکم آن به انقیاد در آید، دولت انگلیس از
اعلیحضرت درخواست کرده است به محاصره‌ی پایان داده شود و
کامران میرزا عفو گردد. شاه به ملاحظه‌ی دوستی که از قدیم الایام میان
ایران و انگلیس وجود داشته با درخواست انگلیس موافقت کرده و
محاصره‌ی رفع و ارتش عقب کشیده شده است.^{۲۳۲}

به هر حال کلنل شیل روز ۴ نوامبر ۱۸۳۸ (۱۶ شعبان ۱۲۵۴)
در ده نمک در خوار وارد اردوی ارتش ایران که روانه‌ی تهران بود شد و
به ملاقات محمدشاه رفت.

کلنل شیل ابتدا به شاه از این جهت که به سلامت بازگشته و به
نزدیک پایتخت خود رسیده است از طرف مکنیل تبریک گفت و
اظهار امیدواری کرد که بر داشته شدن محاصره‌ی هرات که خواسته‌ی
دولت انگلیس بوده است موجب تحکیم دوستی دو کشور شود.

شاه پاسخی در این باره به شیل نداد و نامه‌ی مکنیل را گرفت و وقتی
پاکت آنرا گشود و دید به انگلیسی نوشته شده است آنرا بر زمین
افتکند و با قیافه‌ای ناراضی با دست به میرزا مسعود وزیر امور خارجه
اشاره کرد آنرا بردارد.

کلنل شیل سپس به شاه گفت به او دستور داده شده است به
عرض اعلیحضرت برساند ترتیبی که درباره‌ی حاجی خان قریاگی
می‌بایست داده شود هنوز کامل نشده است و افزود درست است که او
از خدمت پادشاه برکنار گردیده اما هنوز اعلام نشده است که
برکناری او به علت بدرفتاری با غلام چاپار سفارت انگلیس و برای
جلب رضایت دولت انگلیس بوده است. بنابراین مستتر مکنیل
امیدوار است که اعلیحضرت با صدور فرمانی در این باره ترتیبی را
که داده شده است تکمیل فرمایند.

محمدشاه در پاسخ کلنل شیل به گونه‌ای تحکم آمیز گفت که
حاجی خان مرتکب چندین تقصیر شده و بنابراین معزول گردیده
است.

شیل گفت هیچ اشاره‌ای نشده که تنبیه حاجی خان برای توهینی
بوده است که او به دولت انگلیس کرده و در نتیجه برای جلب
رضایت آن دولت برکنار شده است.

محمدشاه گفت پاسخ نامه‌ای که مکنیل فرستاده است داده
خواهد شد و وقتی شیل اضافه کرد در آن نامه هیچ اشاره‌ای به حاجی
خان نشده محمد شاه اظهار داشت:

«چه درخواستی از من دارید؟ بحث و گفتگوی زیادی چه
شفاهی و چه کتبی در این باره به عمل آمده و ترتیب همه کارها داده
شده است.»

محمدشاه سپس از کلنل شیل پرسید آیا نامه‌هایی را که کلنل
استادرت از هرات فرستاده دیده است؟
شیل پاسخ داد آن نامه‌ها را دیده که در آنها اعلیحضرت اعلام

Handwritten text in English, likely a letter or official document, discussing matters related to the British Consulate and the Persian Government. The text is dense and difficult to read due to the image quality.

Handwritten text in English, continuing the discussion from the previous document. It appears to be a response or a further elaboration on the same topics.

Handwritten text in English, possibly a continuation or a separate document related to the same context. The text is very faint and partially obscured.

Handwritten text in English, another document or section related to the historical correspondence. The text is dense and difficult to decipher.

متن انگلیسی نامه
کلنل جاستین شیل
به میرزا مسعود
وزیر امور خارجه در
چهار صفحه در
آرشیو وزارت
امور خارجه ایران.

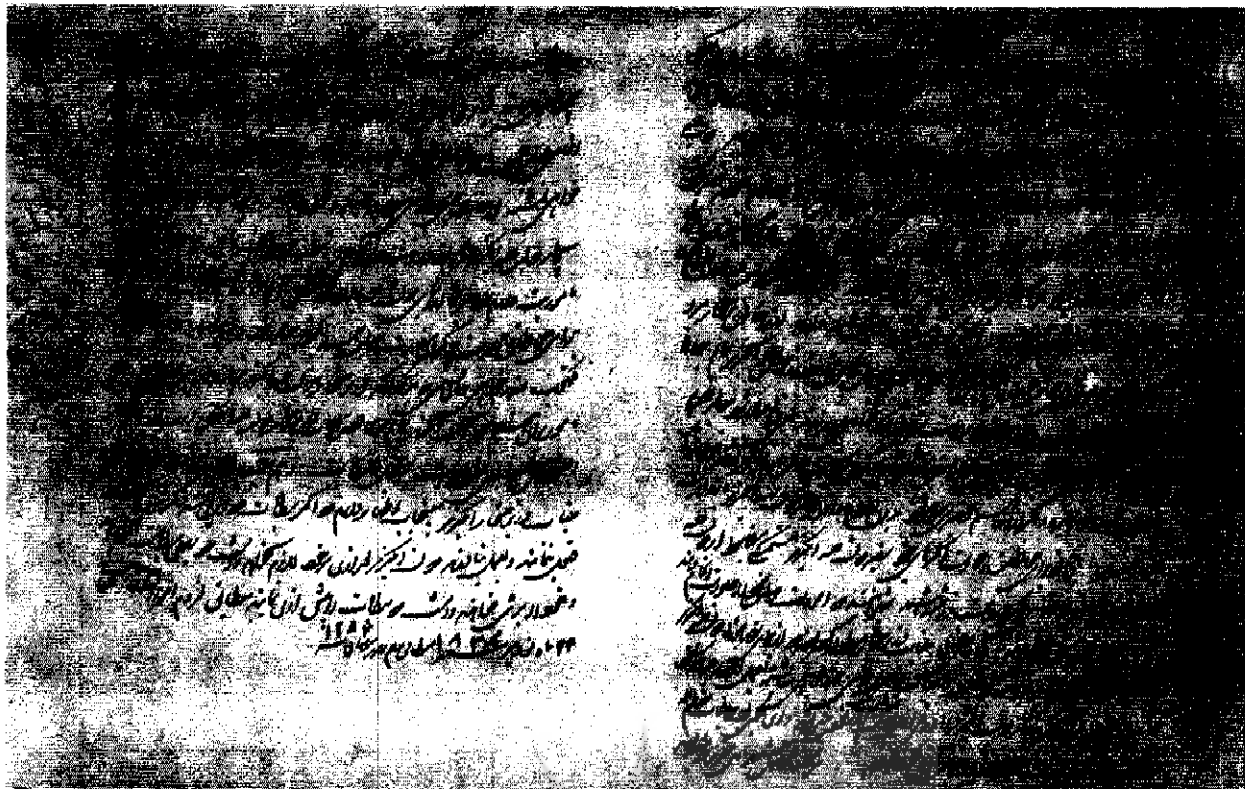
برای دلجوئی. لوقبول نکرد. با وجود این بی ادبی ایلیچی، دیگر چه توقع عنر خواهی است؟»

در مقابل این درخواست که «فرمانی بهمان شرح که ذکر شد از برای محافظت و محارست چاکران سفارت دولت علیّه انگریز صادر شود.»، محمدشاه نوشته است:

«فرمان همان است که مثل اینکه ایلیچی انگلیس در ولایت روس رفتار می کند که از رعیت روس توکر نگاه می دارد دولت روس با آن

در برابر این مطلب که «جناب وزیر مختار مطالبه کرده بودند که از برای رضاجوئی دولت علیّه انگریز بجهت ظلم و تعدی که بجایار آن دولت رسیده بود ضرورتاً جناب حاج میرزا آقاسی عنر خواهی شایسته بعمل آورند چرا که خود جناب معظم الیه فرموده بودند جایار دولت انگریز را در قراول نزدیک بجادر خود بیندازند»، محمدشاه نوشته است:

«جناب حاجی پیغام دادند بایلیچی انگلیس که بیایم منزل شما



گنجایش شرح و بسط این موارد را ندارد و فقط به این نکته بسنده می‌شود که ایران نخست در برابر روس‌ها و این بار در برابر انگلیسی‌ها و بعدها در برابر دیگران، به همان علی که گفته شد، بسی بیش از آنچه می‌بایست از دست داد.

د- ایران به علت پشتیبانی روسیه حاضر به علز خواهی از انگلیس نیست

مکنیل پس از دریافت یادداشت کلنل شیل درباره گفتگوهایش با محمدشاه، در گزارشی به بالمرستون می‌نویسد با وجود فراخوانده شدن کنت سیمونینج و وزیر مختار روسیه^{۳۳} و اعزام کلنل دوهمال به جای او، از نامه‌ای که میرزا مسعود وزیر امور خارجه ایران به کنت نسلرود نوشته است معلوم می‌شود مادام که شاه امید به دریافت کمک از روسیه دارد حاضر نخواهد شد درخواست‌های دولت انگلیس را بپذیرد و به حل و فصل اختلافات دو کشور بپردازد.

همه تلاش‌های ممکن را کردم تا شاید درباره موضوع غلام به گونه شایسته ترضیه به عمل آید ولی موفق نشدم. لحن مقامات ایران و اقداماتشان و اطلاعاتی که به دست آورده‌ام جای تردیدی باقی نمی‌گذارد که دولت ایران خود را برای خصوصت‌ورزی و اقدامات نظامی آماده می‌کند و نمی‌خواهد جلوی قطع رابطه با انگلستان را بگیرد. از اینکه ایران از

رعیت روس که نوکر ایلچی انگلیس شده چه طور رفتار می‌کند ما هم می‌کنیم و تعدی نمی‌کنیم. اگر خطائی از آنها سر بزند موافق قانون شرع با اطلاع ایلچی انگلیس سیاست می‌رسانیم.»

به این ترتیب می‌بینیم که محمدشاه از پذیرش درخواست‌های وزیر مختار انگلیس امتناع می‌کند و در نتیجه اختلافات طرفین همچنان حل نشده باقی می‌ماند.

کلنل شیل در پایان نامه خود تلویحاً میرزا مسعود را تهدید می‌کند و می‌گوید:

«وهم بر خودم واجب آمد که مطابق فرمایش جناب وزیر مختار انگریز با جناب اظهار دارم که اگر مطالبات که درین نوشته ذکر شده است قبول نمایند و بعمل نیاورند دولت انگریز بعد ازین بر خود لازم نخواهند دانست که بهمین مطالبات اکتفا نمایند و خود را بری نخواهند دانست که مطالبات را بیش ازین نمایند مطابق لزوم امورات.»

چنان که خواهیم دید، سرانجام درخواست‌های انگلیسی‌ها به ۹ مورد افزایش می‌یابد و دولت ایران ناچار می‌شود به گونه تحقیرآمیز با همه آنها موافقت کند و معنرت بخواد.

شور و خنانه این نخستین یا آخرین بار نبود که دولت ایران در نتیجه سیاست‌های نادرست و بی‌خبری از سیاست‌های کلی جهان ناگزیر شد خیلی بیش از آنچه می‌بایست از دست بدهد. این مقاله

روسیه امید چه کمکی دارد یا روسیه چه وعده‌ای به ایران داده است اطلاعاتی در دست نیست، ولی از مطالبی که در نامه میرزا مسعود به کنت نسلرود نوشته شده و نسخه‌ای از آن محرمانه به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که هنوز وعده بخصوصی از طرف روسیه برای کمک به شاه داده نشده است. این نامه پیش از ورود کلنل دوهامل وزیر مختار جدید روسیه نوشته شده و معلوم نیست که این وزیر مختار جدید چه نظری در این باره به شاه ابراز کرده است.

مکنیل ضمن اشاره به اطلاعاتی که به دست آورده است اظهار اطمینان می‌کند که با روس ها مشورت شده است و در نتیجه ایرانی‌ها انتظار پشتیبانی از روسیه دارند و در هر حال روس‌ها به شاه توصیه نکرده‌اند که در صدد آشتی و حل و فصل اختلافات خود با انگلیس باشد. مکنیل می‌نویسد بطور کلی به نظر می‌آید که شاه خود را آماده می‌کند تا طبق عهدنامه‌ای که با کهنل خان حاکم قندهار امضا کرده است عمل کند. ۲۲۷

مکنیل، در پایان، درباره نظرات شاه و وزیرانش که آشکارا بر ضد او ابراز شده و بویژه در نامه‌هایی که حسین خان آجودانباشی به دربارهای چند کشور اروپایی فرستاده است می‌گوید این مطالب درست یا نادرست در وضع و موقعیت او بی‌تأثیر نخواهد بود و مشکل و مانع تازه‌ای در راه حل و فصل اختلافات ایران و انگلیس ایجاد خواهد کرد زیرا به نظر می‌آید اگر شاه بخواهد در برابر خواسته‌های انگلیس تسلیم شود، دادن این امتیازات به شخص دیگری غیر از مکنیل برای شاه کمتر تحقیر آمیز خواهد بود. بنابراین بهتر است با بهره‌گیری از فرصتی که پیش آمده برای استفاده از مرخصی به لندن برود و منتظر تحولات و رویدادها باشد و سپس ببیند آیا مصلحت هست به ایران برگردد یا نه. بدین جهت مسئولیت امور نمایندگی را به کلنل شیل می‌سپارد و از دوهامل وزیر مختار تازه روسیه درخواست روایت عبور از روسیه و رفتن به انگلستان می‌کند. ۲۲۸

هـ- نامه میرزا مسعود به کنت نسلرود

متن نامه‌ای که میرزا مسعود وزیر امور خارجه ایران به کنت نسلرود وزیر امور خارجه روسیه نوشته و مکنیل در گزارش خود به آن اشاره کرده است در زیر نقل می‌شود. این نامه احتمالاً در تاریخ اول نوامبر ۱۸۲۸ (۱۳ شعبان ۱۲۵۴) به دستور محمدشاه در سمنان نوشته و فرستاده شده است. کلنل شیل که ترجمه انگلیسی نامه را برای مکنیل ارسال داشته است می‌گوید این نامه را محرمانه توسط شخصی که معمولاً نامه‌های محرمانه را در اختیار انگلیسی‌ها می‌گذارد به دست آورده است و سفارش می‌کند که این نامه به دست اشخاص ناپاب بخصوص حسین خان آجودان باشی نیفتد و گرنه سرنوشت شومی در انتظار شخص مزبور خواهد بود. ۲۲۹

نامه میرزا مسعود وزیر امور خارجه ایران به کنت نسلرود

Handwritten text in Persian script, likely a translation or original document related to the diplomatic correspondence discussed in the main text. The text is dense and covers the same period and topics as the printed text.

چندی قبل ازین کیفیت ادعای دولت انگلیس را که درباب هرات دارند و تفصیل مکاتبات جناب مستر مکنیل وزیر مختار آن دولت و جوابهایی که اولیای دولت علیه نوشته بودند با بعضی ملحقات دیگر به خدمت جناب سامی نوشته بتوسط جنرال قونسول سابق فرستادم. چون جناب سامی را خیر خواه دولت علیه میدانم و مکرر این معنی را خود از لفظ جناب عالی شنیده و آثار آنرا در خارج مشاهده کرده‌ام ۲۲۰ امیدوارم که همه آن مطالب را بدقت ملاحظه فرموده ساعتی چند اوقات شریف را درین کار که دو جهتین است و نفع و ضررش متعلق بدولتین ۲۲۱ صرف نموده باشند. دیگر در خدمت آنجناب که دانای رموز هر دولتی است ۲۲۲ بیان نکنه این تعلق نوعی از جسارت می‌نماید. نظر بر اینکه بعد از فرستادن آن مکاتبات بعضی امورات دیگر اتفاق افتاد لازم آمد که از رفتار دولت انگلیس و کردار ایندولت علیه آنجناب را آگاهی دهد و از رای رزین و فکر گزینش مددخواهی نماید. جناب مستر مکنیل بعد از آنکه در داخل و خارج هرات بقدریکه میتوانست بهراتی

امداد کرد و در کار ما افساد نمود و بآن تفصیل جواب و سؤال که بنظر شریف رسیده با اولیای ایندولت علیه کرد بطریق قهر از اردوی شاهنشاهی برگشت و در اثنای راه از منزلی که به شاهرود موسوم است مستتر استادرت (Mr. Stoddart) نام صاحب منصب سفارت را به اردوی همایون شاهنشاهی فرستاد اعلام کرد که سفاین ما به بحر فارس^{۲۲۳} آمده و در بعضی جزایر آنجا قرار گرفته‌اند. اگر پادشاه از تسخیر هرات دست برندارد ما بدون ملاحظه معاهده با شما مخاصمه خواهیم کرد. بعد از ورود به تبریز عریضه دیگر بحضور مهر ظهور شاهنشاهی ارسال نمود. خلاصه مضمون اینکه من از جانب دولت خود مأمور شدم که عرض نمایم که مقصود ما از دوستی با دولت ایران این بود که این دولت از برای حفظ هندوستان سدی سدید باشد. اکنون برخلاف آن پادشاه ممالک ایران مملکتی را که ما بین ایران و هندوستان واقع است و نیز سدی است محکم برای حفظ دولت انگلیس می‌خواهید خراب نمایند و درین امر واضح و آشکار خود را با یکی از دولت‌های فرنگ^{۲۲۴} متفق کرده است تا پاره منظورات و مقصودات که اظهر من الشمس است به عمل آورند و چون این غرض ضد مقاصد عهدنامه است دولت انگلیس خود را مأذون و مختار می‌داند که بدون اینکه ملاحظه معاهده نماید آنچه در صلاح اندیشی کار و محافظت مملکت خود داند به عمل آورد. دوستدار سواد این دو نوشته را برای مزید استحضار جنابعالی ارسال نمود. اعلیحضرت شاهنشاهی به ملاحظه این اوضاع مصلحت در معاودت دانسته بعد از آنکه هفده ماه شصت هزار لشکر را خرج داده خسارت جنگ کشیدند و کابل و قندهار و کل افغانستان را جز چهار دیوار هرات به اطاعت در آوردند و کامران میرزا و معتمدان هر گونه تکلیف در خدمت را متقبل شدند بی نیل مقصود تشریف فرمای مقر خلافت گردیدند تا درد کار به دولت روسیه حالی نمایند و در صدد چاره‌جویی برآیند. آن جناب به دیده انصاف ملاحظه فرمایند که در دنیا هیچ ظلمی و ستمی بالاتر ازین می‌شود که پادشاه صاحب شوکی را که بهیچوجه من الوجوه هیچ عهدی را از عهود نقض نفرموده باشد، در اثنائی که بعد از چندین زحمت و خسارت بر مملکت یاغی خود که همواره مشغول قتل و اسر و نهب ولایات خراسان و سیستان بوده و در هیچوقت هیچ عهدی را مراعات ننموده است و اسرای این دو ولایت را در خیوه و بخارا بفروش رسانده است مسلط شده باشد، بخلاف عهدنامه از حصول مطلوب بازدارند و به این روشنی و آشکاری عهدشکنی و بی‌اعتباری ظاهر سازند. اعتقاد و اعتماد ما به عدالت و مروّت دولت بهیّه روسیه بیش از این است که این ظلم علانیه را که بیک لحاظ به سبب دوستی

آنها به ما رسیده چنانکه در کاغذ مکتبیل واضح است معاینه و ملاحظه نمایند و همسایه خود را در میان این آتش سوزان ببینند و سکوت اختیار کنند و تفاوتی به احوال ایشان نکنند و شاهنشاه اسلام پناه خلدالله ملکه و سلطان به امیدواری حمایت و اعانت اعلیحضرت امپراتور اعظم بهیّه دوستدار مقرر فرمودند که گزارش را علی‌ماهو حقه بخدمت جناب سامی قلمی داشته مصحوب محمد صالح خان چاپار خاصه ارسال دارد و از اوضاع الحاله آنجناب را آگاهی دهد که چون امر ما با دولت انگلیس نگذشته بود سردار قندهار را با جمعیت خود در فراه گذاشتیم و در غوربان^{۲۲۵} که قدیم از هرات موضوع بوده دو هزار جمعیت با چهار عراده توپ جا دادیم که هرات را فراغت کلی نباشد تا امر ما با انگلیس بگذرد و امر ما با انگلیس بی‌اعانت دولت بهیّه روسیه و دستور العمل ایشان نمی‌گذرد. لهذا از آن جناب شوکت مآب توقع می‌کند که رضای حق و طریقه انصاف را که عادت قدیم ایشان است در این ماده نیز ملاحظه فرموده و قراری بدهند که دولت انگلیس از عهدنامه خود تجاوز نکرده بر عهد خود پایدار باشد و اگر از ماهم خلاف قاعده نسبت بآنها سر زده باشد و جناب شما تصدیق نمایند که خلاف است هر طور قانون اقتضا می‌کند در صدد چاره‌جویی برآئیم. معلوم است که مبتدای کار دولت‌ها و اعتماد و اطمینان ایشان از یکدیگر منوط به عهد و پیمانی است که با هم مربوط می‌کنند و اسم آنرا عهدنامه می‌گذارند، در صورتیکه نگاهداشتن و برهم زدن عهدنامه موقوف به صرفه و عدم صرفه احد طرفین باشد این اطمینان و اعتماد بالمره از میان دولتها رفع خواهد شد و ضرر آن امروز به ما و فردا به شما عاید خواهد شد، بلکه در حقیقت امروز هم به شما خواهد رسید چرا که تا ما را با شما متحد ندیدند مرتکب نقض عهد نشدند. امید کامل حاصل است که آن جناب در صدد چاره‌این امر بر آمده عنقریب ما را مستحضر نمایند.^{۲۲۶}

فتوکی پیش نویس این نامه موجود در آرشیو وزارت امور خارجه در اینجا گراور شده است.

(دنباله دارد)

یادداشتها

۴۲۲. گزارش شماره ۴۱ مورخ ۵ سپتامبر ۱۸۴۸ مکتبیل از اردوگاه نزدیک

تبریز به بالمرستون F.O. 60/58

۴۲۳. آرشیو وزارت امور خارجه.

۴۲۴. گزارش مورخ ۱۱ سپتامبر ۱۸۴۸ مکتبیل از اردوگاه نزدیک تبریز به

بالمرستون؛ نامه‌های محرمانه مربوط به ایران و افغانستان، ص ۸۴.

۱۸۳۸) به میرزا علی نایب وزیر امور خارجه ایران نوشته است که به دستور امپراتور روسیه، کنت سیمونینج احضار و به جای او کلنل دوهامل به سمت وزیر مختار روسیه در ایران منصوب شده است. بنابر این هر چه زودتر مهمانداری تعیین شود که به تبریز برود و وزیر مختار جدید را به «دلور الخلاقه طهران» بیاورد. آرشیو وزارت امور خارجه ایران

۴۳۷. طبق این عهدنامه که میان محمّدشاه و کهنل خان به امضار رسیده و کنت سیمونینج وزیر مختار روسیه آنرا تضمین کرده بود، هرات و قندهار می‌بایست به ایران ملحق شود. برای اطلاع از ترجمه انگلیسی متن این عهدنامه به مکاتبات محرمانه مربوط به ایران و افغانستان، ص ۸۳، ضمیمه نامه مورخ اول اوت ۱۸۳۸ مکتبیل از تهران به پالمستون مراجعه فرمایید.

۴۳۸. نامه مکتبیل مورخ ۳ دسامبر ۱۸۳۸ از رودبار به پالمستون، به نقل از خاطرات سر جان مکتبیل، چاپ لندن، ۱۹۱۰، ص ۲۳۴.

۴۳۹. خواننده توجه دارد که انگلیسی‌ها با داشتن جاسوسان متعدد در میان کارکنان دولت ایران متأسفانه همیشه نامه‌های مورد نظر خود را به آسانی به دست می‌آوردند.

۴۴۰. احتمالاً منظور عضویت میرزا مسعود در هیأت همراه خسرو میرزا در رفتن به پترزبورگ در سال ۱۸۲۹/۱۲۴۴ و مذاکره با کنت نسلرود است.

۴۴۱. روسیه و ایران.

۴۴۲. آشنایی زیاد به سیاست‌های تمام دولت‌ها (ترجمه از متن انگلیسی).

۴۴۳. خلیج فارس.

۴۴۴. منظور روسیه است.

۴۴۵. در غوربان که قسمتی از منطقه تربت را تشکیل می‌دهد و در این اواخر در اختیار هرات قرار گرفته بود ۲۰۰۰ نفر را با ۴ عراده توپ مستقر نمودیم تا ببینیم خاتمه این کار با دولت انگلیس به کجا می‌انجامد. (ترجمه از متن انگلیسی)

۴۴۶. آرشیو وزارت امور خارجه ایران - ترجمه انگلیسی ضمیمه شماره ۳ نامه مورخ ۳۰ نوامبر ۱۸۳۸ کلنل شیل دبیر نمایندگی انگلیس از تهران به مستر مکتبیل F.O. 249/31.

۴۲۵. «اعلیحضرت همایون شهریار غازی بنابر رعایت دوستی دولت انگلیس حکم بیازگشت اردوی معلی فرمودند و در نوزدهم جمادی الاخر ۱۲۵۴ (۹ سپتامبر ۱۸۳۸) از خارج هرات حرکت کرده در نوزدهم شعبان ۱۲۵۴ (۷ نوامبر ۱۸۳۸) وارد دارالخلافه (تهران) شدند.» (منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۷۱)

۴۲۶. گزارش مورخ ۱۶ اکتبر ۱۸۳۸ مکتبیل از اردوگاه نزدیک تبریز به پالمستون، نامه‌های محرمانه، ص ۸۶.

۴۲۷. آرشیو وزارت امور خارجه - ترجمه انگلیسی ضمیمه نامه مورخ ۵ نوامبر ۱۸۳۸ مکتبیل از ردبیل به پالمستون F.O. 60/59. نامه‌های محرمانه، ص ۸۸.

۴۲۸. گزارش مورخ ۲۵ ژوئن ۱۸۳۸ مکتبیل از مشهد به لرد اوکلند فرمانروای کل هند. نامه‌های محرمانه، قسمت ۲، ص ۱۶۳.

۴۲۹. نامه لرد پالمستون مورخ ۱۲ اکتبر ۱۸۳۸ به مکتبیل. نامه‌های محرمانه، بخش دوم، ص ۱۶۸.

۴۳۰. گزارش مورخ ۳۰ نوامبر ۱۸۳۸ مکتبیل از سلیمانیه به پالمستون F.O. 60/51.

۴۳۱. هدایت در روضة الصفا ناصری (ج دهم) نوشته است مکتبیل «مکتوبی بجناب سیادت مآب فخر العلماء الاعلام حجة الاسلام حاجی سید محمد باقر گیلانی ساکن اصفهان نگاشته از زنجان بنو فرستاد.»

۴۳۲. نامه مورخ ۱۵ سپتامبر ۱۸۳۸ مکتبیل از تبریز به میرزا مسعود که در شماره گذشته در ص ۱۴۹ نقل شده است.

۴۳۳. آرشیو وزارت امور خارجه.

۴۳۴. گزارش مورخ ۵ نوامبر ۱۸۳۸ مکتبیل از ردبیل به پالمستون. نامه‌های محرمانه مربوط به ایران و افغانستان، ص ۸۷.

۴۳۵. یادداشت مورخ ۴ نوامبر ۱۸۳۸ (۱۶ شعبان ۱۲۵۴) کلنل شیل درباره مذاکراتش با محمّدشاه. F.O. 60/60.

۴۳۶. کنت سیمونینج در یادداشتی به تاریخ رجب ۱۲۵۴ (سپتامبر - اکتبر